



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۸/۰۳

شریف حکیم

کاش بگذاری.....

آنچه خط خط کرده ام، یکبار تا آخر بخوان
لا اقل از این طرف ها، یک دوتا حرفی بدان

تو فکر کردی، که فردوس است مارا این سرا
از میان شکوه هایت، درک کردم آن چنان

شکرها بر قسمت ما، شکوه از بخت خودت
حسرت بودن چو ما، در حرف حرفت بُد نهران

راست گفתי، مشکل ما نیست اینجا نان و آب
زندگی ای کاش بودی، صرف قند و آب و نان

راست گفתי، جاده ها اینجا همه پاکیزه اند
گرد هم، حتی که ننشیند، سر پاهای مان

راست گفתי، شب به شهر ما ندارد بوی خون
عطر صبحش زنده سازد، در وجود مرده جان

راست گفתי، از فقیری نیست ابری در افق
آبیی آبیست اینجا، هر کران آسمان

کاش بگذاری، بگویم از حقیقت های تلخ
آن حقیقت ها، که در چنگش گرفته روح مان

کاش بگذاری، بگویم نیست زنجیری به پای
لیک، از بندی ترین هاییم، در این آستان

کاش بگذاری، بگویم جسم ما آشفته نیست
لیک، بیمار است هر دم، در وجود ما روان

کاش بگذاری، بگویم روز گار لعنتی
برده آن کوچکترین، حیثیت ما از میان

کاش بگذاری، بگویم سخت تنهایم رفیق
نی به بودن دلخوش و، نی در افقها کاروان

کاش بگذاری، بگویم سخت بیرم کرده است
بسکه چابک بگذرد، در عالم غربت زمان

